

پژوهشی

تحلیل کیفی چالش‌های پیش‌روی توسعه فرهنگی در قوم بختیاری شهرستان الیگودرز

مسعود آذرخوش^۱، عادل عبدالهی^۲ و مظفرالدین شهبازی^۳

چکیده:

پژوهش حاضر درصدد تحلیل کیفی چالش‌های پیش‌روی توسعه فرهنگی در قوم بختیاری است. روش پژوهش، مبتنی بر روش کیفی است. داده‌ها با استفاده از فنون مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی گردآوری شدند. افراد مورد مطالعه در این پژوهش ۳۸ نفر بودند و با استفاده از تکنیک تحلیل چارچوب، داده‌ها تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش حول هفت درون‌مایه اصلی با عناوین کثرت‌گرایی فرهنگی، سنت‌گرایی، خاص‌گرایی، عام‌کردن امر خاص، عام‌گرایی، برابری جنسیتی و قانون‌گرایی مورد تحلیل قرار گرفتند. هر یک از درون‌مایه‌های مذکور سه درون‌مایه فرعی را پوشش می‌دهند که در پایان با ترکیب درون‌مایه‌های اصلی و فرعی به چارچوب و الگوی نظری نهایی دست یافتیم. یافته‌ها نشان داد که بختیاری‌ها در برابر ارزش‌های توسعه‌محور کمتر مقاومت می‌کنند و تمایل دارند تا در کنار حفظ فرهنگ بختیاری، به اشاعه آن پرداخته و از مزایای سایر فرهنگ‌ها نیز برخوردار شوند. بخشی دیگر از یافته‌ها بیان‌گر عدم نهادینه شدن قانون‌گرایی و برابری جنسیتی در بین قوم بختیاری هستند. نتایج نهایی نشان داد که قوم بختیاری از ظرفیت‌های اولیه برای توسعه فرهنگی برخوردار است و بختیاری‌ها با توسل به برخی از ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، درصدد دستیابی به یک الگوی محلی برای توسعه فرهنگی هستند، اما شرایط مذکور در سایه عدم سیاست و الگوی فرهنگی بومی شده منجر به توسعه‌نیافتگی شهرستان الیگودرز شده است.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، الگوی توسعه، قوم بختیاری، الیگودرز

مقدمه و بیان مسئله

تا اوایل قرن بیستم، بیشتر نظریاتی که در خصوص توسعه ارائه گردیده بر یک بُعد مسلط توسعه مبتنی بوده و بر عامل فرهنگی کمتر تأکید شده است. از اوایل قرن بیستم، مقوله فرهنگ در اندیشه افرادی مانند ماکس وبر (۱۳۸۴)، جایگاه ویژه‌ای یافت و بعدها این نوع رویکرد به توسعه، در اندیشه سایر صاحب‌نظران متأثر از وبر مانند پارسونز (۱۳۷۹)، ایزنشتاد و متفکران مکتب نوسازی مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب بعد از دهه ۱۹۸۰، یک چرخش نظری نسبت به جایگاه فرهنگ در برنامه‌های توسعه صورت گرفت و رویکردهایی که به فرهنگ به عنوان مقوله‌ای تزئینی نگاه می‌کردند مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفتند (رادکلیف، ۲۰۰۶: ۴۵-۵۰). وقتی که صحبت از توسعه فرهنگی در جوامع چند فرهنگی و چند قومیتی به میان می‌آید در برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری فرهنگی توجه به ویژگی‌های فرهنگی و قومیتی هر یک از اقوام از اهمیتی ویژه برخوردار است. یکی دیگر از اهداف برنامه‌های توسعه در جوامع چند قومیتی، دستیابی به انسجام و اتحاد قومی و اجتماعی است. نتایج مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که این مهم در برنامه‌های توسعه در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و غالباً منجر به بروز واگرایی قومی در ایران شده‌اند (اشرف: ۱۳۸۳؛ آبراهامیان: ۱۳۸۳؛ فوران: ۱۳۸۸؛ کاتوزیان: ۱۳۸۹).

قوم بختیاری از جمله اقوام ایرانی هستند که تجارب تاریخی و تحولات فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای را پشت سر گذرانده‌اند. الهیاری و همکاران (۱۳۹۰) در خصوص تحولات تاریخی در ساختار اجتماعی و سیاسی قوم بختیاری معتقدند که ساختار اجتماعی سیاسی بختیاری‌ها از الگوی خاصی پیروی نموده است و در طول تاریخ دچار تغییر گردیده است، قدرت در بختیاری بر خلاف جوامع عشائری دیگر از سطوح و لایه‌های مختلفی تشکیل شده بود. اگرچه در گذشته خوانین در راس ساختار سیاسی و کلانتران، کدخدایان و ریش سفیدان به ترتیب بعد از آنها قرار داشتند، اما با قدرت گرفتن دولت مرکزی و گسترش پاسگاه‌های نظامی به تدریج از قدرت خوانین کاسته شد و ساختار سیاسی بختیاری‌ها دچار تغییر گردید، به طوری که امروز خوانین در ساختار قدرت بختیاری‌ها جایگاهی ندارند. مقوله‌ی توسعه‌نیافتگی قوم بختیاری و پیامدهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن به طور غیرمستقیم در مطالعات مختلفی به آن اشاره شده است. به عنوان مثال نتایج مطالعه کاظمی (۱۳۹۵)

با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی واکنش قوم بختیاری به سریال سرزمین کهن، که با روش کیفی و به شیوه مصاحبه عمیق با نخبگان قوم بختیاری انجام شده است، نشان داد که از نظر بیشتر آن‌ها، علت اعتراض، علاوه بر توهین به نمادهای قومی، محرومیت اقتصادی و احساس طرد اجتماعی و فرهنگی در میان مردم بختیاری بوده است. برای احتراز از خشونت جمعی اقوام که ممکن است کل جامعه را به سمت ناآرامی ببرد و وحدت و انسجام ملی را تهدید کند، ضروری است که به حقوق تمامی اقوام و اقلیت‌ها و مطالبات آن‌ها به یک نسبت احترام گذاشته شود و با حذف تبعیض و تفاوت قومی در همه زمینه‌ها، احساس تعلق به کشور و برخورداری از مواهب آن تقویت شود.

در این پژوهش، به دنبال بررسی چالش‌های پیش‌روی توسعه نیافتگی فرهنگی در قوم بختیاری هستیم. اگر یکی از اهداف توسعه فرهنگی را، بویژه در جوامع چند فرهنگی، فراهم شدن امکان رشد و تعالی عناصر قومی در ابعاد مادی و معنوی آن بدانیم، آن وقت ضرورت و اهمیت شناسایی و تحلیل چالش‌های پیش‌روی این مقوله نیز نمایان می‌شود. بنابراین، در این مطالعه نخست به توصیف عناصر و ویژگی‌های فرهنگی در بین قوم بختیاری می‌پردازیم، سپس از طریق شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی توسعه فرهنگی در صدد ارائه برخی از شاخص‌های توسعه فرهنگی در قوم بختیاری برمی‌آییم. هدف از طی نمودن فرایند مذکور دستیابی به چارچوب و الگویی نظری است که در خلال آن، امکان تحلیل شرایط فرهنگی حاکم بر قوم بختیاری و همچنین چالش‌های پیش‌روی توسعه فرهنگی در شهرستان الیگودرز میسر شود.

پیشینه پژوهش

محمودی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش فراتحلیل به ارزیابی الگوهای سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران پرداخته‌اند که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد توسعه ناموزون به ویژه در بُعد اقتصادی و نابرابری اجتماعی سیاسی، برخورد سیاسی و ایدئولوژیک با اقوام، عدم رعایت قانون مربوط به اقوام، کنترل فرهنگی اقوام، روش‌های اقتدارگرایانه، دخالت بیگانگان، دستگاه بوروکراتیک حکومتی و تمرکزگرایی و تأکید بر هویت ملی بیشتر از هویت قومی از عوامل عدم کامیابی سیاست‌های قومی بودند. از سوی دیگر تأکید بر اشتراکات اجتماعی،

مشارکت سیاسی اقوام، جایگاه اقوام در قدرت، احترام به زبان و آداب و رسوم، استفاده از نخبگان قومی، بافت گوناگون اقوام ایرانی و ایجاد توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی نقاط قوت سیاست‌های قومی بوده و سعی شده این الگوها به گونه‌ای سیاست‌گذاری و مدیریت شود که در تعارض با انسجام جامعه ملی قرار نگیرد و با پذیرش تنوع گروه‌های قومی به عنوان واقعیتهای اجتماعی، تمامیت ارضی حفظ و همگرایی و یکپارچگی ایجاد شود.

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عنوان پژوهشی است که توسط مقتدائی و ازغندی (۱۳۹۵) انجام شده است. در این پژوهش عنوان شده است که هدف سیاست‌گذاری فرهنگی بایستی معطوف به فراهم آوردن شرایط مناسب برای شکوفایی استعداد انسانها و اشاعه خلاقیت و نوآوری باشد و طبعاً چنین امری بدون مشارکت مردم امکان‌ناپذیر است و این خود در گرو ارتباط متقابل میان ملت و دولت است دولت زمانی می‌تواند در امور فرهنگی کارآمد باشد که فضایی فراهم آورد تا در آن شهروندان احساس قدرت کنند و باید وزن مسئولیت دولت به نفع افزایش نهادهای غیردولتی کاهش یابد.

امان‌الهی بهاروند، در مقاله‌ای به بررسی «تغییر و تحولات در لرستان و پیامدهای آن» پرداخته است. این مقاله مبتنی بر رهیافت انسان‌شناسی است و محقق در آن به ریشه‌یابی مسایل و مشکلات لرستان در ارتباط با تغییر و تحولات در این منطقه پرداخته که شامل سه دوره اوضاع لرستان پیش از نوسازی، اقدامات و برنامه‌های نوسازی در طول حکمرانی سلسله پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴) و دوره بعد از انقلاب می‌باشد و به این نتیجه رسیده است که نفوذ تمدن نوین غرب مایه دگرگونی در ایران از جمله لرستان شده است. اما نقاط مختلف ایران به دلایل گوناگون به‌طور یکنواخت تحت تأثیر تمدن غرب قرار داشته و از این رهگذر از دستاوردهای علوم و فنون بیشتر بهره‌مند شده‌اند در حالی که نقاط دیگری چون لرستان از چنین فرصت‌هایی محروم شده و در نتیجه کمتر رشد کرده‌اند. از طرفی نفوذ تمدن غرب در ایران منجر به تشکیل دولت نوینی شده که با استفاده از نیروی نظامی مجهز به سلاح‌های غربی به سرکوبی مخالفان پرداخت و پس از تسلط بر نقاط مختلف ایران، قدرت را در تهران متمرکز کرد. این رویداد در زمان حکمرانی پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴) اتفاق افتاد. در نتیجه، بعضی مناطق چون لرستان کمتر مورد توجه قرار گرفتند و از این رهگذر به صورت استان‌های محروم و یا به عبارتی عقب‌مانده درآمدند. برنامه‌های نوسازی ناهماهنگ

در لرستان، باعث، تغییرات ناهماهنگ در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی گردید (امان‌اللهی، ۱۳۸۰).

امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۹) در پژوهشی دیگر به تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی توسعه‌نیافتگی مناطق لر نشین در ایران پرداخته است. در بخشی از نتایج این پژوهش چنین آمده است «آنچه به نظر می‌رسد این است که، وضعیت ایران تغییر کرده و بهترین راه برای پیشرفت این سرزمین، عدم تمرکزگرائی یعنی افزایش تصمیم‌گیری در استانها و تقسیم عادلانه بودجه برای مناطق مختلف است؛ اما بهبود وضعیت استان‌های محروم، یک برنامه ضربتی را می‌طلبد که با دلسوزی هرچه بیشتر به مرحله اجرا درآید؛ در غیر این صورت، باید انتظار مشکلات فراوانی را داشت» (همان: ۲۱۹). در بخشی دیگر از پژوهش مذکور عنوان شده که «عوامل نوسازی موجب یکپارچگی مردم ایران شده است و در نتیجه، لرها همانند دیگر مردم این سرزمین در همه امور مملکت فعالیت دارند؛ اما با همه اینها به علت کم توجهی دولت به استان‌های لر نشین در مقایسه با استان‌های برخوردار، این مناطق با انواع مشکلات روبه رو هستند. برای چیره شدن بر مشکلات چنین وضعیت نامطلوبی، باید اقداماتی جدی نمود» (همان: ۲۱۹). به طور کلی می‌توان از این تحقیقات نتیجه گرفت که نارضایتی اقوام از نابرابری‌های اجتماعی، توزیع نابرابر امکانات فرهنگی، گسترش مشکلات اجتماعی و رشد آگاهی‌های اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی و فرهنگی ناعادلانه، تقدم توسعه اقتصادی بر فرهنگی کم توجهی به توسعه فرهنگی اقوام در توسعه نیافتگی فرهنگی اقوام مختلف در ایران نقش اساسی دارند.

چارچوب مفهومی پژوهش

تئوری‌های جامعه‌شناسی، مسائل فرهنگی و توسعه فرهنگی را در قالب دو رهیافت ساختارمحور و عاملیت‌محور بررسی می‌کنند. ماکس وبر (۱۳۸۴) از جمله افرادی است که با تأکید بر اهمیت کنش‌گران بر استقلال فرهنگ تأکید دارد و ارزش‌ها را مهمترین اجزای فرهنگ می‌داند که جهت و معنای کنش را تعیین می‌کنند. بسیاری از جامعه‌شناسان دیگر نیز در تحلیل تحولات اجتماعی تأکید خاصی بر ارزش‌ها دارند. از نظر آن‌ها، یکی از مهمترین عناصر توسعه فرهنگی یعنی وجود باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های همسو با توسعه و مقوم

آن در جامعه است. اساساً بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی، همچون وبر، مک‌کله‌لند و پارسونز تأکید خاصی بر نقش باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، و به طور کلی، نظام‌های فرهنگی، در تحقق توسعه دارند (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۹ به نقل از بودون و بریکو، ۱۳۸۵: ۲۲۵-۲۲۴). به عقیده‌ی وبر کنش رفتاری و انسانی زمانی مورد توجه جامعه‌شناسی است که دارای معنای ذهنی خاصی باشد. رفتار انسانی بر اثر محرک بوجود می‌آید اگر خواسته را منشاء رفتار بدانیم این رفتارهای معنی‌دار به کنش تبدیل می‌شوند (وبر ۱۳۸۴، ۲۵).

در بین نظریه‌پردازان مکتب نوسازی آلکس اینکلس یک مدل نوسازی انسان را بر اساس تحقیق گسترده‌ای که در شش کشور در حال توسعه انجام داده، رواج داد. وی در این خصوص اعتقاد دارد که، خصوصیت برجسته‌ی انسان نوین که عامل نوسازی است، دو جنبه دارد: یکی داخلی و دیگری خارجی، یکی به محیط مربوط می‌شود و دیگری به دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و احساسات او. از نظر اینکلس ویژگی‌های انسان نو بدین شرح‌اند: اولین ویژگی او آمادگی او برای ابداع و تغییر؛ دومین ویژگی انسانی نو این است که نه تنها در باره‌ی موضوعات و مسائل موجود در محیط خود، بلکه در باره‌ی مسائل و موضوعات خارج از این محیط عقایدی داشته باشد و جهت‌گیری او در برابر عقاید، آزاداندیشانه‌تر باشد؛ سومین ویژگی، انسانی نو محسوب می‌شود که ذهن او به حال و آینده بیشتر از گذشته متوجه باشد و در نظر ما انسانی نوتر است که تقسیم زمان به ساعات ثابت را بپذیرد؛ چهارم، گرایش به برنامه‌ریزی و سازمان دادن به امور، به عنوان نوعی راه و رسم و اداره‌ی زندگانی؛ پنجمین معیار، کارآمدی است. انسان مدرن کسی است که معتقد است انسان می‌تواند به‌طور اساسی بیاموزد که به جای اینکه تحت سلطه‌ی محیط باشد برای رسیدن به مقاصد و هدف‌های خود بر محیط مسلط شود؛ معیار ششم موضوع قابل محاسبه بودن است. بنا بر تعریف ما، انسان مدرن کسی است که بیشتر به قابل محاسبه بودن جهان خود معتقد است و عقیده دارد که مردم و مؤسسه‌هایی که در اطراف او قرار دارند، می‌توانند از عهده‌ی تعهدات و مسئولیت‌های خود برآیند، به عبارت دیگر، او به جهانی اعتقاد دارد که بر آن قانون حکمفرماست و در ضبط (کنترل) انسان است؛ هفتمین ضابطه، حیثیت است. ما احساس می‌کنیم که انسان مدرن‌نیته کسی است که به حیثیت دیگران آگاه‌تر و برای احترام گذاشتن به دیگران آماده‌تر است؛ هشتمین معیار این است که انسان مدرن، به علم و تکنولوژی بیشتر ایمان دارد؛ و نهمین

ویژگی انسان مدرن آن است که به عدالت همگانی معتقد است؛ بدین مفهوم که او معتقد است اجر و پاداش هر کسی باید بر اساس کمکی که می‌کند داده شود نه از سر هوی و هوس یا خصوصیاتی که به کمک او ربطی ندارد (اینکلس: ۱۹۶۰).

به نظر پارسونز در نظام اجتماعی، تشخیص علیت اجتماعی بسیار پیچیده است. چرا که تمامی نهادها، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی با هم عمل می‌کنند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. او برخلاف نظر مارکس، نهادهای فرهنگی، سیاسی، حقوقی و دینی را روبنا نمی‌داند و برای آن‌ها قائل به تأثیر بنیانی است (بابابی فرد، ۱۳۸۹: ۱۸ به نقل از توسلی، ۱۳۷۱: ۲۴۱). پارسونز برای اجتناب از تحویل‌گرایی زیست‌شناختی نظریه‌غرایز، می‌کوشد تصویری جامعه‌شناسانه از شخصیت ارائه دهد. پارسونز این داعیه را مطرح می‌کند که در نهایت ارزش‌ها، به عنوان مهم‌ترین اجزای فرهنگ هستند که جهت و معنای کنش را تعیین می‌کنند (همان: ۱۸).

نظریه‌پردازانی دیگر مانند آنتونی‌گیدنز به اثرگذاری دو سویه فرهنگ و کنشگران معتقدند و در بستر فرایندی متقابل و دیالکتیکی به تحلیل واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازند. در نگاه گیدنز، فرهنگ به عنوان ساختار مربوط به آن دسته از قواعد و نابع مشترکی است که کنشگران در زندگی روزمره برای کنش به آن‌ها مراجعه می‌کنند و بر اساس آن‌ها دست به عمل می‌زنند. فرهنگ به عنوان زیست‌جهان مربوط به قابلیت‌هایی است که فرهنگ برای تعریف و معنابخشی و تنظیم و تغییر به کنشگران می‌دهد. فرهنگ در این معنا مفهومی است منبسط در میان همه اعضای که متعلق به فرهنگ واحدی است (گیدنز: ۱۹۸۶ به نقل از اجتهاد نژاد کاشانی و اجلالی، ۱۳۹۳: ۴۱). گیدنز در پی ایجاد نظریه‌ای است که رابطه میان نظام‌های اجتماعی و کنشگرانی که متقلاً یکدیگر را متأثر می‌سازند، تصریح کند. در رابطه با وضعیت فرهنگ‌های محلی در رویارویی با فرهنگ‌عام جهانی رونالد رابرتسون از عام شدن امرخاص و خاص شدن امرعام سخن می‌گوید. به رغم رابرتسون جهانی شدن در درجه نخست پدیده‌ای فرهنگی است، چرا که بستری برای جهانی شدن فرهنگ‌های خاص و بومی و محلی شدن عناصر فرهنگی جهانی را فراهم می‌کند (بی‌پر، ۱۹۹۴: ۲۸ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

آن‌چه که در جهان‌بینی و نظام فرهنگی افراد مورد مطالعه در پژوهش حاضر، یعنی

بختیاری‌های ساکن در شهرستان الیگودرز، ساری و جاری است می‌تواند متفاوت از تحلیل‌های موجود در ادبیات مرور شده باشد. از این‌رو، مبنای تحلیل نهایی در این مطالعه نوع خوانش و تفسیر افراد مورد مطالعه از وضعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند. علی‌رغم این، مراجعه و استفاده مناسب از مفاهیم نظری و تحلیلی موجود در ادبیات نظری و تجربی می‌تواند به تقویت پایه‌های نظری در مطالعات کیفی کمک کند. براین اساس، با مرور و مراجعه به آرای اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی نظیر ماکس وبر (۱۳۸۴)، تالکوت پارسونز (۱۳۷۹)، رونالد رابرتسون (۱۳۹۳) و آنتونی گیدنز (۱۳۷۷) تلاش می‌شود تا به تحلیل کیفی و نظری چالش‌های پیش‌روی توسعه فرهنگی در بین بختیاری‌های ساکن در شهرستان الیگودرز پرداخته شود.

میدان مورد مطالعه

در پژوهش حاضر، میدان مورد مطالعه شهرستان الیگودرز است. شهرستان الیگودرز با مساحتی ۵۰۰۰ کیلومتر مربع در شرق استان لرستان واقع شده است. جمعیت این شهرستان ۱۳۷۵۳۴ هزار نفر است و جمعیت شهری آن ۹۰۷۹۹ نفر و پنجمین شهر استان لرستان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). ساکنین شهرستان الیگودرز به لحاظ فرهنگی و قومیتی به قوم بختیاری تعلق دارند. قوم بختیاری، به عنوان پر جمعیت‌ترین جامعه عشایری کشور، یکی از قدیمی‌ترین اقوام ایرانی و از شاخه‌های قوم لر محسوب می‌شود که ساختار و قدرت و سازمان اجتماعی تعریف شده‌ای را در سایر ایلات و عشایر ایران دارد (الهیاری و همکاران، ۱۳۹۰). امان‌اللهی بهاروند در پژوهش خود با عنوان ایران‌شناسی لرها: تحلیل تاریخی-جامعه‌شناختی در خصوص لرها چنین می‌گوید:

«لرها قومی ایرانی هستند که هزاران سال است در زاگرس میانی و پیرامون آن زندگی می‌کنند. قلمرو لرها از بنادر خلیج فارس چون بندر دیلم، گناوه و بوشهر تا استان‌های مرکزی، همدان و مرزهای عراق گسترده است. هویت فعلی لرها که بیشتر ریشه در زبان آنها دارد، در قرن چهارم هجری شکل گرفت اما گفتنی است که ریشه قومی لرها به عیلامیان، کاستی‌ها و هخامنشیان بر می‌گردد. زندگی لرها در طول هفت دهه گذشته در نتیجه عوامل نوسازی دچار دگرگونی شده است. هم اکنون بیش از ۵۰ درصد از لرها شهرنشین شده‌اند. اقتصاد آنها اکنون ترکیبی است از اقتصاد شهری - روستایی. نظام سیاسی اجتماعی آنها نیز دگرگون شده است و اکنون پایگاه اجتماعی افراد اکتسابی و برپایه میزان تحصیلات،

درآمد و شغل مشخص می‌شود. گسترش سوادآموزی باعث شده است که لرها در رشته‌های گوناگون تحصیل کنند و اکنون متخصصان لُر در تمام زمینه‌ها چه در داخل ایران و چه در خارج فعالیت دارند» (امان‌اللهی بهاروند، ۲۱۹:۱۳۷۹). همچنین امان‌اللهی بهاروند در تحلیل ریشه‌های تاریخی و زبان‌شناختی زبان لُری چنین می‌گوید:

«آن‌چه مسلم است، زبان لُری مشتق از زبان پارسی باستان است: راولینسون این واقعیت را حدود ۱۶۰ سال پیش در سفر به لرستان و بختیاری به‌درستی دریافته بود. این منطقه، یکی از مناطق کهن جهان به‌شمار می‌رود که در طول چهل هزار سال گذشته همواره جوامع انسانی و فرهنگ‌های، مختلفی را در دل خود پرورانده است و شاهد مراحل مختلف تکامل فرهنگ از دیرینه سنگی، میانه‌سنگی و نوسنگی تا مرحله شهرنشینی و تمدن بوده است. آشکار است که بررسی پیشینه لرها که از بازماندگان اقوام گوناگون چون عیلامیان، کاستی‌ها، پارس‌ها و نیز اقوام پیش از آنها هستند و نیز از آن رو که این اقوام به علت نبود خط ناشناخته مانده‌اند، کاری دشوار خواهد بود. در زمان پهلوی دوم، چهار استان در مناطق لر نشین از جمله ایلام (پشت کوه لرستان)، لرستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد تأسیس شد؛ این واقعه از جهاتی در تخصیص بودجه برای این مناطق مؤثر بوده است. ساختار اجتماعی-سیاسی تا پیش از تحولات اخیر، نظام اجتماعی-سیاسی اغلب لرها مبتنی بر خویشاوندی و به‌صورت قبیله‌ای بود؛ اما در پشت کوه لرستان (استان ایلام) و بختیاری، دو حکومت فراقبیله‌ای برقرار بود که اولی حدود ۸۰۰ سال سابقه داشت و دومی نیز در زمان حکمرانی ناصر الدین شاه، قاجار شکل گرفته بود. نظام اجتماعی-سیاسی لرها چون دیگر جنبه‌های زندگی آنها، از اوایل حکومت پهلوی به این طرف به تدریج دگرگون شده است» (امان‌اللهی بهاروند، ۲۱۹:۱۳۷۹).

پوشش مردان بختیاری در شهرستان الیگودرز شامل چوقا، شلوار دبیت، کلاه سیاه و گیوه ملکی می‌باشد و پوشش زنان شامل شلوار، پیراهن، چادر، لچک، روسری و مینا است. از میان صنایع دستی در شهرستان الیگودرز تولید لباس‌های بختیاری، چوقا، شلوار دبیت لباس زنانه، گلیم بافی، جاجیم بافی قدمت طولانی دارد و مردم بختیاری را با لباس، زبان و فرهنگ خاص خود می‌شناسند و لباس آنان از لحاظ فرهنگی دارای فلسفه خاصی است. با توجه به سه شیوه زندگی شهری، روستایی و عشایری در داخل کشور و مهاجرت تعدادی از این قوم به خارج از کشور آمار دقیقی در مورد جمعیت آنها در دست نیست و کمتر استانی از کشور را سراغ داریم که جمعیتی از قوم بختیاری در آن ساکن نباشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. در این مطالعه داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های مشاهده‌ی مشارکتی، مشاهده‌ی میدانی و فنون مصاحبه عمیق گردآوری شده‌اند. همچنین از تکنیک تحلیل چارچوب به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شد. تحلیل چارچوب یکی از شیوه‌های مورد استفاده در تحلیل داده‌های کیفی است که دارای انعطاف زیادی است. به گونه‌ای که می‌توان از این شیوه در دو مرحله‌ی اتمام جمع‌آوری داده یا حین جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرد. در پژوهش حاضر، تحلیل داده‌ها طی فرایند جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفت. بر اساس رویکرد سلسله مراتبی حاکم بر روش تحلیل چارچوب، به طبقه‌بندی و سازماندهی داده‌ها بر اساس درون‌مایه‌های کلیدی و طبقات پرداخته می‌شود. این رویکرد به دلیل وضوح و شفافیت مراحل انجام تحقیق انعطاف‌پذیری و سهولت کاربرد بسیار مورد توجه مطالعات کیفی قرار گرفته است (اسپنسر و همکاران: ۲۰۰۴). براساس تکنیک تحلیل چارچوب، پژوهشگر اطلاعات را طبقه‌بندی و سازماندهی می‌کند و داده‌ها را بر اساس درون‌مایه‌های کلیدی تفسیر و تحلیل می‌کند. مراحل تحلیل داده در این روش دارای پنج مرحله‌ی آشناسازی، فن‌شناسایی یک چارچوب موضوعی، جدول‌بندی، نمایه‌سازی و ترکیب داده‌ها است (علوی مجد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۴).

به پیروی از ماهیت هستی‌شناسی و فلسفی پژوهش‌های کیفی، در پژوهش‌های کیفی بحث باورپذیری بیش‌تر از موضوع تعمیم میدانی و یا آماری یافته‌ها مد نظر است. از این‌رو، به منظور ارتقاء اعتبار و باورپذیری یافته‌ها از روش مورد نظر فلیک یعنی باورپذیرکردن گزینشی استفاده شده است (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۰). منظور وی از اصطلاح مذکور مستدل کردن متن با نقل قول‌هایی قابل قبول و باورپذیر است. همچنین با عملیاتی نمودن تکنیک مورد نظر گوبا و لینکلن (۱۹۸۱)، یعنی تکنیک اعتبار پاسخگو و یا کنترل توسط اعضاء تلاش کردیم از صحت و دقت داده‌ها اطمینان حاصل کنیم. بدین صورت که جهت حصول اطمینان از اعتبار یافته‌ها به طور مداوم بعد از پاسخگویی مخاطبان، مجدداً پاسخ را برای آن مخاطب قرائت می‌شد و از پاسخگو سؤال می‌شد که آیا منظور شما همین بود که من برای شما قرائت شد و اگر مطلبی جدید را بیان می‌کرد به پاسخ‌ها اضافه می‌شد. علاوه بر آن، با رعایت ملاحظات اخلاقی و فرهنگی در هنگام مصاحبه و کسب اجازه، صدای مصاحبه‌شونده‌ها ضبط

می‌شد و با گوش دادن مکرر فایل‌های صوتی و مراجعه مستمر به فایل‌های پیاده شده، تلاش شد تا دستیابی به حصول اطمینان از دقیق و گویا بودن جواب‌ها میسر شود. بطور معمول در مطالعات کیفی حجم نمونه را نمی‌توان از قبل برآورد کرد. در مطالعات کیفی مصاحبه با افراد مورد مطالعه تا رسیدن به مرحله تکرار داده و اظهارنظر گویندگان پیدا خواهد کرد. در این پژوهش با ۳۰ نفر از مطلعین بومی و همپنین نخبگان قوم بختیاری در حوزه‌های علمی و اجرایی مصاحبه عمیق به عمل آمد. لذا جهت اطمینان از عدم ظهور داده‌های جدید، مصاحبه را تا ۳۸ نفر ادامه دادیم و چون به داده جدیدی نرسیدیم کار مصاحبه را متوقف نمودیم. بنابراین افراد مشارکت کننده در این پژوهش ۳۸ نفر هستند. افراد مورد مطالعه عبارتند از ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، تاریخ، روانشناسی، جغرافیا، مدیریت شهری که دارای مدرک دکتری بودند. ۲ نفر از نمایندگان مجلس، یکی با مدرک دکتری و دیگری با مدرک کارشناسی ارشد و ۳ نفر از مدیران حوزه‌ی مدیریت شهری، اداره‌ی تبلیغات، فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرمانداری. همچنین با ۱۰ نفر از بزرگان ایل دو نفر از قوم ذلّی، دو نفر از قوم بساک، یک نفر از قوم آسترکی، یک نفر از قوم موگویی یک نفر از قوم عبدالوند، یک نفر از قوم حاجی وند، یک نفر از قوم محمود صالح و یک نفر هم از قوم عیسوند مصاحبه بعمل آمد. کلیه مورد مطالعه به بختیاری‌های ساکن در شهرستان الیگودرز تعلق داشتند که به گویش بختیاری صحبت می‌کنند.

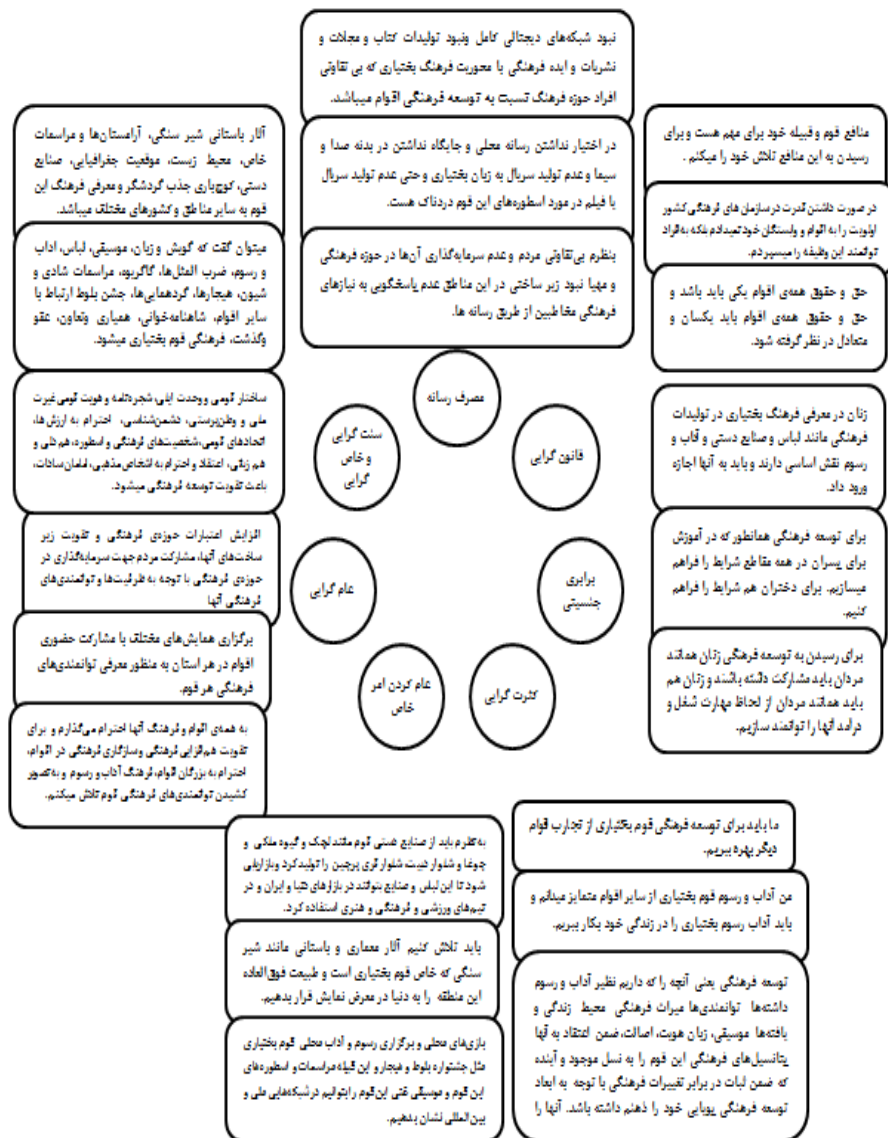
یافته‌های پژوهش

فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل چارچوب، که دارای پنج مرحله است، صورت گرفته است. مراحل مذکور عبارتند از آشنا شدن با داده‌ها، شناسایی و تدوین یک چارچوب موضوعی، نمایه‌سازی، جدول‌بندی و تلخیص نهایی درون‌مایه‌های استخراج شده و تدوین چارچوب نظریه نهایی. آنچه که در ادامه می‌آیند براینند انجام مراحل پنج‌گانه در تکنیک تحلیل چارچوب است.

جدول ۱: آشنایی با داده‌ها (خلاصه‌ی مرحله اول و دوم)

با توجه به اینکه شما خودتان از قوم بختیاری می‌باشید، به چه کسانی یا افرادی بختیاری گفته می‌شود و اصولاً بختیاری‌ها از نظر موقعیت جغرافیایی در کجای ایران قرار دارند، و جمعیت آنها چقدر می‌باشد؟		
بختیاری‌ها یک شاخه از قوم لر و یکی از اصیل‌ترین اقوام ایرانی است و دارای آداب و رسوم و زبان و فرهنگ لباس و موسیقی خاص خود هستند (هویت شناسی قوم بختیاری).	جمعیت قوم بختیاری حدود ۸ میلیون نفر است که بزرگترین ایل ایران و جهان شناخته شده است (شناخت قوم بختیاری).	بختیاری‌ها اکثراً در مناطق زاگرس و به طور کلی در اکثر استان‌ها پراکنده شده‌اند اما تراکم جمعیتی آنها در غرب و جنوب غربی ایران می‌باشد (پراکندگی جمعیتی).
از نظر شما مهم‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی قوم بختیاری چه مواردی هستند؟ منظور آن است که چه ویژگی‌هایی از قوم بختیاری را می‌توان به عنوان شاخص‌های فرهنگی قوم بختیاری نام برد؟		
ساختار قومی و وحدت ایلی، شجره نامه و هویت قومی غیرت ملی و وطن پرستی، دشمن شناسی، احترام به ارزش‌ها، اتحادهای قومی، شخصیت‌های فرهنگی و اسطوره‌ای، هم‌دلی و هم‌زبانی، اعتقاد و احترام به اشخاص مذهبی، امامان سادات، باعث تقویت توسعه فرهنگی میشود (احترام به سلسله مراتب و احترام به بزرگان قوم).	میتوان گفت که گویش و زبان، موسیقی، لباس، آداب و رسوم، ضرب المثل‌ها، گاوپیوه، مراسمات شادی و شیون، هیجراها، گردهمایی‌ها، جشن بلوط ارتباط با سایر اقوام، شاهنامه‌خوانی، همیاری و تعاون، عفو و گذشت، اخلاق مداری باعث معرفی و تعاملات فرهنگی قوم بختیاری میشود (تلاش برای معرفی فرهنگ سنتی و خاص قوم بختیاری).	آثار باستانی، شیر سنگی، آرامستان‌ها و مراسمات خاص، محیط زیست، موقعیت جغرافیایی، صنایع دستی، کوچ، جذب گردشگر و معرفی فرهنگ این قوم به سایر مناطق و کشورهای مختلف میباشد (تلاش برای معرفی المان‌های بختیاری).
از نظر شما در قوم بختیاری چه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی وجود دارند که می‌توانند به توسعه فرهنگی قوم بختیاری کمک کنند؟ لطفاً چند مورد را به ترتیب اهمیت و اولویت ذکر کنید؟ به نظر شما چرا این موارد مهم هستند و می‌توانند در توسعه فرهنگی قوم بختیاری نقش آفرینی داشته باشند؟		
ادبیات ایلی، شاهنامه خوانی، اندیشه‌پردازی شخصیت‌های اسطوره‌ای و فرهنگی، هنرمندان، تعاملات فرهنگی، امانت داری، نمادسازی، شاهبهری بختیاری، پیشینه فرهنگی قوم، ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی، پیشینه تاریخی، اسناد و مدارک، کتب، سازگاری فرهنگی، سلسله‌مراتب قومی، وحدت ساختاری و ایلی، تولیدات فرهنگی، حمل مسایل ومشکلات اجتماعی، هم‌گرایی و سازگاری فرهنگی، هم‌دلی (تعاملات فرهنگی).	گردشگری، توریسم، محیط زیست، بوم گردی، محیط زیست، مکان‌های سیاحتی و زیارتی، آشتی با طبیعت، آثار باستانی، صنایع دستی، موسیقی زبان، اشعار بختیاری، لباس، شیوه‌ی زندگی، مراسمات، تعاملات فرهنگی، ارتباط با سایر اقوام، مبادلات و اشاعه فرهنگی (اشاعه فرهنگی).	چون فرهنگ بختیاری براساس این شاخص‌ها شکل و تبلور یافته و ساخته و پرداخته شده‌اند و در معرفی و توسعه این فرهنگ نقش اساسی و محوری دارند در واقع چراغ راهنما و بستر هدایت توسعه فرهنگی قوم بختیاری می‌باشند و این شاخص‌ها خود به خود براساس ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در افراد قوم درونی می‌شوند و جامعه‌پذیری افراد بر اساس آنها شکل می‌گیرد و قوم بختیاری هویتشان براساس این شاخص‌ها شکل گرفته و معرفی می‌شوند (نقش فرهنگ بختیاری).
با توجه به تعریف فرهنگ و نقش و اهمیت آن توسعه‌ی فرهنگی را از دیدگاه قوم بختیاری چگونه است؟		
توسعه فرهنگی یعنی آنچه را که داریم نظیر آداب و رسوم داشته‌ها توانمندسازی میراث فرهنگی محیط زندگی و یافته‌ها موسیقی، زبان هويت، اصالت، ضمن اعتقاد به آنها پتانسیل‌های فرهنگی این قوم را به نسل موجود و آینده که ضمن ثبات در برابر تغییرات فرهنگی با توجه به ابعاد توسعه فرهنگی پویایی خود را هم داشته باشد آنها را به مردم معرفی کنیم (پویایی فرهنگی).	من آداب و رسوم قوم بختیاری از سایر اقوام متمایز میدانم و باید آداب رسوم بختیاری را در زندگی خود بکار ببریم. حتی میتوانیم از طریق فضای مجازی جهت شناخت فرهنگ دیگر اقوام و معرفی این قوم استفاده کرد. (تلاش برای شناخت فرهنگ های دیگر اقوام)	ما باید برای توسعه فرهنگی قوم بختیاری از تجارب اقوام دیگر بهره ببریم. (تلاش برای ارتقا توسعه فرهنگی قوم بختیاری)
شاخص‌های برجسته و خوب توسعه‌ی فرهنگی کدام‌اند و چگونه می‌توانیم این شاخص‌ها را به سایر اقوام ایرانی و جهان معرفی بکنیم؟		

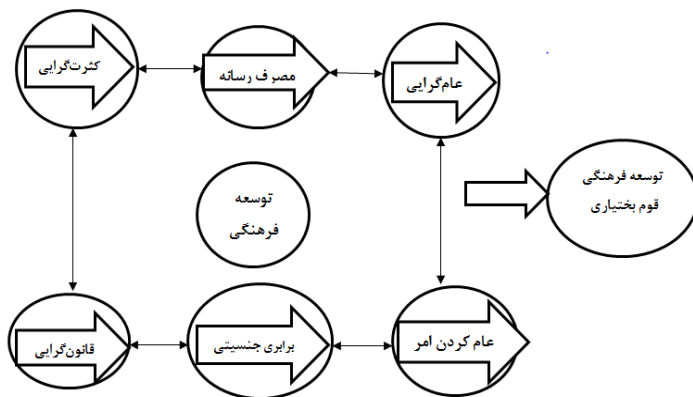
<p>به نظر من باید از صنایع دستی قوم مانند لچک و گیوه ملکی و چوغا و شلوار دبیته، شلوار قری پرچین را تولید کرد و بازاربایی شود تا این لباس و صنایع بتوانند در بازار های دنیا و ایران و در تیم‌های ورزشی و فرهنگی و هنری استفاده کرد (تلاش برای دستیابی به بازار از طریق شاخص های خاص قوم بختیاری).</p>	<p>باید تلاش کنیم آثار معماری و باستانی مانند شیر سنگی که خاص قوم بختیاری است و طبیعت فوق العاده این منطقه را به دنیا در معرض نمایش قرار بدهیم (تلاش برای معرفی کردن ویژگی های خاص قوم بختیاری).</p>	<p>بازی‌های محلی و برگزاری رسوم و آداب محلی قوم بختیاری مثل جشنواره بلوط و هیجار و این قبیله مراسمات و اسطوره های این قوم و موسیقی غنی این قوم را بتوانیم در شبکه‌های ملی و بین‌المللی نشان بدهیم (تلاش برای ترویج فرهنگ خاص بختیاری).</p>
<p>موانع و مشکلات توسعه فرهنگی را که در حال حاضر در این قوم مشاهده می کنید کدامند؟</p>		
<p>نبود شبکه‌های دیجیتالی کامل و نبود تولیدات کتاب و مجلات و نشریات و ایده فرهنگی با محوریت فرهنگ بختیاری که بی تفاوتی افراد حوزه فرهنگ نسبت به توسعه فرهنگی اقوام میباید (عدم توجه دست اندر کاران حوزه فرهنگی).</p>	<p>در اختیار نداشتن رسانه محلی و جایگاه نداشتن در بدنه صدا و سیما و عدم تولید سریال به زبان بختیاری و حتی عدم تولید سریال یا فیلم در مورد اسطوره‌های این قوم در دناک هست (موانع توسعه فرهنگی).</p>	<p>به نظر من تفاوتی مردم و عدم سرمایه گذاری آن‌ها در حوزه فرهنگی و مهیا نبود زیر ساخت‌ها در این مناطق عدم پاسخگویی به نیازهای فرهنگی مخاطبین از طریق رسانه‌ها (نبود الگوی فرهنگی).</p>
<p>چرایی و چگونگی توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی فرهنگی را در قوم بختیاری در چه عواملی می دانید؟</p>		
<p>در توسعه فرهنگی نقش زنان را همانند نقش مردان ببینیم و کار آنها را در زمینه توسعه فرهنگی قوم از حاشیه خارج و پر (رنگ نماییم (نقش زنان در توسعه فرهنگی).</p>	<p>زنان در معرفی فرهنگ بختیاری در تولیدات فرهنگی مانند لباس و صنایع دستی و آداب و رسوم نقش اساسی دارند و باید به آنها اجازه ورود داد (تلاش برای حضور زنان در ترویج فرهنگ قوم).</p>	<p>برای توسعه فرهنگی همانطور که در آموزش برای پسران در همه مقاطع شرایط را فراهم میسازیم برای دختران هم فراهم سازیم (جنسیت و توسعه).</p>
<p>اگر در حوزه فرهنگی و توسعه فرهنگی در اقوام و یا کشور، مسئولیتی داشته باشید، در این مورد چه اقداماتی انجام می دهید؟</p>		
<p>افزایش اعتبارات حوزه فرهنگی و تقویت زیر ساخت‌های آنها، مشارکت مردم جهت سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگی با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فرهنگی آنها (سرمایه گذاری فرهنگی).</p>	<p>برگزاری همایش‌های مختلف با مشارکت حضوری اقوام در هر استان به منظور معرفی توانمندی‌های فرهنگی هر قوم (ترویج فرهنگ بختیاری).</p>	<p>به همه اقوام و فرهنگ آنها احترام می‌گذارم و برای تقویت هم افزایی فرهنگی و سازگاری فرهنگی در اقوام، احترام به بزرگان اقوام، فرهنگ آداب و رسوم و به تصویر کشیدن توانمندی‌های فرهنگی قوم تلاش میکنم (تلاش برای عمومی کردن فرهنگ).</p>
<p>اگر مطلب، نکته یا سوالی به ذهنتان می رسد که این جانب از شما نرسیده‌ام و آن را مهم و ضروری می‌دانید بیان کنید ؟</p>		
<p>منافع قوم و قبیله خود را بر دیگر اقوام و قومیت‌ها و مصالح کشور ترجیح نمیدادم بلکه منافع ملی اولویت ما میباید (احترام به قانون).</p>	<p>حق و حقوق همه اقوام یکی باید باشد و حق و حقوق همه اقوام باید یکسان و متعادل در نظر گرفته شود (تلاش برای اجرای قانون).</p>	<p>در صورت داشتن قدرت در سازمان‌های فرهنگی کشور اولویت را به اقوام و وابستگان خود نمیدادم بلکه به افراد توانمند این وظیفه را میسپردم (عدم اجرای قانون).</p>



شکل ۱: نمایه‌سازی (مرحله سوم)

جدول ۲: تلخیص و جدول بندی درون مایه‌های استخراج شده از داده های کیفی (مرحله چهارم)

درون مایه اصلی: کثرت‌گرایی فرهنگی		درون مایه‌ها
درون مایه فرعی: تعاملات فرهنگی		
دوست دارم در برنامه‌های فرهنگی بختیاری که اجرا می‌شود به نوعی به اقوام دیگر هم معرفی شوند (زن، ۳۵ ساله، متاهل، روانشناس).	برای اینکه فرهنگ بختیاری را توسعه بدهیم باید با اقوامی که منطقه بختیاری یا بختیاری‌هایی که در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند تعامل داشته باشیم و فرهنگ خود را به آنان معرفی کنیم (مرد ۵۰ ساله، متاهل، مدرس دانشگاه).	نقل قول‌ها
درون مایه فرعی: سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگی		درون مایه
اگر دارای مسئولیت بودم در زمینه توسعه اولویت را به توسعه فرهنگی می‌دادم چون بستر سایر ابعاد توسعه است (مرد ۵۲ ساله، متاهل مدیریت شهری).	اگر ثروتی داشته باشم آن را در حوزه گسترش فرهنگ بختیاری هزینه می‌کردم زیرا هیچ قومی برای قوم دیگری هزینه نمی‌کند (مرد ۴۰ ساله، متاهل، جامعه‌شناس)	نقل قول‌ها
درون مایه اصلی: مصرف رسانه		درون مایه
درون مایه فرعی: تلویزیون داخلی و خارجی		
نبود شبکه تلویزیونی و رسانه‌های مهم در مورد قوم بختیاری باعث شده فرهنگ این قوم به درستی معرفی نشود (مرد ۵۵ ساله، متاهل عمران).	آرزو دارم فرهنگ بختیاری توسط افراد توانمند قوم از طریق رسانه‌ها با گویش و پوشش بختیاری به نسل جدید و بین‌نسلی انتقال داده شود (زن ۳۶ ساله، اقتصاد).	نقل قول‌ها
درون مایه: شبکه‌های اجتماعی مجازی		
ارزو دارم در برنامه‌های رادیو فرهنگ موسیقی بختیاری همانند اسطوره‌ی ایل مسعود بختیاری پخش شود (مرد، ۲۵ ساله، مجری برنامه سنتی).	من در طول روز از فضای مجازی مانند اینستاگرام، واتساپ و تلگرام استفاده می‌کنم ولی نبود و تولید برنامه‌های فرهنگی در مورد قوم بختیاری کاملاً احساس می‌شود (مرد ۳۰ ساله، مجرد خدمات اینترنتی).	نقل قول‌ها
درون مایه اصلی: برابر جنسیتی		درون مایه
درون مایه فرعی: توانمندسازی زنان		
زنان در معرفی فرهنگ بختیاری، لباس، صنایع دستی، مراسمات نقش انکارناپذیری دارند (مرد، ۴۸ ساله، جغرافیای شهری).	دوست دارم در مکان‌هایی که جلسات هم‌اندیشی در مورد قوم بختیاری برگزار میشود زنان نیز مشارکت داشته باشند (زن، ۲۸ ساله، معلم).	نقل قول‌ها
درون مایه فرعی: زنان و توسعه		درون مایه
باید زنان از حق و حقوق فرهنگی و اجتماعی خود آگاهی یابند (مرد، ۳۲ ساله، معلم).	باید برای توسعه فرهنگی و تولید برنامه‌های فرهنگی همانند مردان شرایط را برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی فراهم آوریم و مورد حمایت قرار دهیم (زن ۲۷ ساله، روانشناس).	نقل قول‌ها
درون مایه اصلی: عام‌گرایی		درون مایه
درون مایه فرعی: سازگاری فرهنگی		
در توسعه فرهنگی باید همسو و هماهنگ عمل کنیم و با فرهنگ اقوام دیگر همزیستی داشته باشیم (زن ۴۱ ساله، متاهل، مدرس دانشگاه).	فرهنگ ما به فرهنگ عامه‌ی کشور وابسته است فرهنگ عمومی برای من مهم هست و در کنار فرهنگ عام کشور باید فرهنگ قوم بختیاری را توسعه دهیم (مرد، ۲۵ ساله، مجرد، معلم).	نقل قول‌ها



شکل ۲: تدوین چارچوب نظری (مرحله پنجم)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن بودند که در جامعه‌ی مورد مطالعه، قوم بختیاری در الیگودرز افراد به شیوه آگاهانه شرایط توسعه فرهنگی قوم خود را می‌سنجند و بر اساس فرصت‌ها، و محدودیت‌های احتمالی در پاسخگویی به سوالات مطرح شده برمی‌آیندند. در همین رابطه کثرت‌گرایی نسبی فرهنگی یکی از درون‌مایه‌های برآمده از داده‌های میدانی بود. به طوری که افراد ترجیح می‌دادند برای توسعه فرهنگی تلاش و فعالیت بیشتری انجام دهند. افراد مورد مطالعه معتقد بودند که از طریق تعاملات و همزیستی و سازگاری فرهنگی است که می‌توانیم با افرادی که در شهرهای دیگر یا در مکان‌هایی که زندگی می‌کنند تعامل داشته و فرهنگ خود را معرفی و به توسعه آن امیدوار شویم. در کنار شرایط جهانی و پیچیدگی‌های فرهنگی حاکم بر نظام جهان کنونی تغییر نگرش افراد جامعه درباره توسعه فرهنگی اقوام ارتباط و تعامل آنها با نظام فرهنگی محلی، ملی و جهانی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که فرایند جامعه‌پذیری در جامعه مورد مطالعه به گونه‌ای است که افراد با رفتار و گفتار و عملکرد خود تلاش می‌کنند تا ضمن حفظ فرهنگ بختیاری در آینده به توسعه آن هم دست یابند. در سایه شکل‌گیری چنین شرایطی است که کثرت‌گرایی نسبی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه شکل گرفته است و می‌توان از بسترمند شدن نسبی توسعه فرهنگی در بین مردم بختیاری ساکن در شهرستان الیگودرز سخن

گفت. غالب مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که امروزه دولت‌ها و بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری برای محقق کردن ظرفیت‌های موجود در عناصر فرهنگی اقوام ندارند و با اولویت‌دهی به اقتصاد در برابر فرهنگ، بویژه در مناطق کم‌برخوردار، زمینه‌های شکل‌گیری یک سیاست‌گذاری بومی شده که متناسب با شرایط فرهنگی و اقتصادی اقوام باشد فراهم نشده است. افراد مورد مطالعه به‌طور مداوم اشاره می‌کردند که گویا دولت‌ها و سیاستگذاران برنامه‌ای برای گسترش توسعه فرهنگی اقوام و قومیت‌ها ندارند. اگر چه که آن‌ها به این موضوع نیز اشاره می‌کردند که ضروری است تا نخبگان فرهنگی و اقتصادی فعال در اقوام مختلف مشارکت و فعالیت کنند، چراکه هیچ قومی برای حفظ، پویایی و توانمندی و توسعه فرهنگی قوم دیگر هزینه نمی‌کند و این مسیری است که باید شالوده آن با مشارکت‌های مردمی و محلی پی‌ریزی شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که گرایش و استقبال مردم از توسعه فرهنگی خود منجر به هدفمندشدن فعالیت‌های آن‌ها نسبت به توسعه فرهنگی قوم بختیاری شده است. آن‌ها امیدوار بودند که با پشتوانه یکدیگر چالش‌ها و محدودیت‌های فرهنگی قوم خود را پشت سر می‌گذارند ولی در کنار آن به ضرورت حمایت‌های دولتی نیز اشاره می‌کردند. درباره‌ی شیوه‌های توسعه فرهنگی یافته‌های پژوهش بیانگر آن هستند که افراد مورد مطالعه ابراز تمایل می‌کردند که از طریق تعامل با اقوام و فرهنگی‌های مختلف زمینه اشاعه عناصر فرهنگی موجود در قوم بختیاری را از قبیل گویش و پوشش فراهم کنند و از فرهنگ خود حمایت کنند. تغییرات فرهنگی اجتماعی ناشی از نظام جهانی و عصر اطلاعات در جامعه ایران منجر به بازاندیشی کنشگران بومی در شیوه‌های بازتولید فرهنگ بومی و تلاش برای ارتقای آن براساس رویکردهای فرامحلی شده است. اندیشمندانی مانند رونالد رابرتسون از چنین تغییراتی تحت عنوان عام کردن امر خاص یاد می‌کنند. بدست آمدن چنین نتایجی همسوی با یافته‌های مطالعات عبداله‌هی (۱۳۹۵؛ ۱۳۹۸) و همچنین مطالعه توسلی و قلی‌پور (۱۳۸۶) است.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان داد که نابرابری جنسیتی منجر به شکل‌گیری اختلاف در میزان مشارکت فرهنگی اجتماعی نزد زنان و مردان شده است و مردان به مراتب بیشتر از زنان از سرمایه‌ی فرهنگی برخوردارند. یافته‌ها حاکی از کاهش برخورداری زنان از مشارکت‌های اجتماعی در عرصه‌ی توسعه فرهنگی است. نتایج مربوط به بررسی نقش زنان

و مردان در توسعه فرهنگی نشان می‌دهد که نقش آنها با یکدیگر برابر نیست و این امر بیان‌گر نهادینه نشدن برابری جنسیتی و کاهش قدرت تصمیم‌گیری زنان و توجه به نظرات و تصمیمات آنها در عرصه توسعه فرهنگی قوم بختیاری است. این در حالی است که زنان می‌توانند در معرفی لباس‌های محلی، صنایع دستی، و بازنمایی آداب و رسوم محلی نقش‌های فعالی را ایفا نمایند. از این‌رو، با ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای زنان می‌توان آن‌ها را توانمند ساخت و از حاشیه بیرون آورد و نقش آنان را در توسعه عناصر فرهنگی پررنگ کرد. افراد مورد مصاحبه به این نکته اشاره می‌کردند که باید توانمندی‌های فرهنگی که معرف فرهنگ بختیاری هستند با استفاده از راهکارهای مختلف نظیر مسابقات ورزشی و همچنین برگزاری جشنواره‌های ملی و بین‌المللی به منظور ارائه صنایع دستی و سایر عناصر فرهنگی نظیر چوقا، گیوه ملکی لباس مردان و زنان، شیرهای سنگی و به دنبال آن برندسازی و توسعه فرهنگی بختیاری‌ها پرداخت. بخشی دیگر از یافته‌ها به نهادینه نشدن مقوله قانون‌گرایی در بین قوم بختیاری است و عواملی مثل اختلافات قبیله‌ای و ناسازگاری‌های محلی منجر به تشدید و گسترش پیامدهای منفی قانون‌گریزی شده و به یکی از چالش‌های پیش‌روی توسعه‌یافتگی فرهنگی قوم بختیاری تبدیل شده است.

در پایان می‌توان گفت که بختیاری‌ها در برابر ارزش‌های توسعه‌محور کمتر مقاومت می‌کنند و تمایل دارند تا در کنار حفظ فرهنگ بختیاری، به اشاعه آن پرداخته و از مزایای سایر فرهنگ‌ها نیز برخوردار شوند. همچنین نتایج نهایی نشان داد که قوم بختیاری از ظرفیت‌های اولیه برای توسعه فرهنگی برخوردار است و بختیاری‌ها با توسل به برخی از ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، در صدد دستیابی به یک الگوی محلی برای توسعه فرهنگی هستند، اما شرایط مذکور در سایه عدم یک سیاست و الگوی فرهنگی بومی شده منجر به توسعه‌نیافتگی شهرستان الیگودرز شده است.

منابع:

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۶)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، شمس‌آوری، حسن و محسن مدیرشانه‌چی، تهران، نشر مرکز.
- اجتهاد نژاد کاشانی، سید سالار، پرویز اجلالی، حسین (۱۳۹۳)، کند و کاو نظری-مفهومی درباره توسعه فرهنگی از منظر جامعه‌شناسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، ۷۲-۳۵.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۹)، ایران‌شناسی لرها: تحلیل تاریخی-جامعه‌شناختی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶، ۲۴۲-۲۱۹.
- امان‌اللهی، بهاروند (۱۳۸۰)، تغییر و تحولات در لرستان و پیامدهای آن، تهران نشر آگاه.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۸۹)، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۷)، ۵۶-۷.
- توسلی، غلامعباس، قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۶)، جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۸ (۳)، ۱۰۴-۸۱.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۹۳)، جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث.
- عبداله‌هی، عادل (۱۳۹۵)، دیالکتیک عام و خاص و تغییرات فرهنگی توسعه‌محور، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۹ (۱)، ۱۹-۷.
- عبداله‌هی، عادل (۱۳۹۸)، تعامل عناصر محلی و جهانی در تحول هویت فرهنگی کردستان ایران: مطالعه‌ای درباب منطقه هورامان تخت، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳ (۳)، ۱۰۹-۸۱.
- علوی مجد، حمید، نیک پیمان، نسرین، عابد سعیدی، ژیللا و اذن اله آذرگش (۱۳۹۲)، تحلیل چارچوب؛ شیوه‌ای برای تحلیل داده‌های کیفی، نشریه پایش، ۱۳ (۱)، ۵۰-۴۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- فوران، جان (۱۳۸۸)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران. انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
- کاظمی، سیمین (۱۳۹۵)، تحلیل جامعه‌شناختی واکنش قوم بختیاری به سرریال سرزمین

- کهن، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵ (۲)، ۲۱۳-۲۳۲.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، نشر نی، تهران، چاپ اول
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثالثی، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
- محمودی، ابوالقاسم، افضلی، رسول، یاشار، ذکی، یزدان‌پناه، کیومرث (۱۳۹۸)، ارزیابی الگوهای سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۶ (۹۹)، ۲۴۹-۲۷۶.
- مقتدائی، مرتضی، ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲ (۳۴)، ۷-۲۶.
- همیلتون، پیتر (۱۳۷۹)، تالکوت پارسونز، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس.
- الهیاری، فریدون، فروغی ابری، اصغر و عزت‌الله عبدالهی نوروزی (۱۳۹۰)، بررسی تحلیلی جامعه‌شناسی تاریخی ساختار قدرت سیاسی، اجتماعی در ایل بختیاری، فصلنامه گنجینه، شماره پیاپی ۸۶، ۵۰-۲۴.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران، انتشارات سمت.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۵ برگرفته از وبسایت www.amar.org.ir

- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches. Jossey-Bass.
- Inkeles, A. (1960). Industrial man: The relation of status to experience, perception, and value. *American Journal of Sociology*, 66(1), 1- 31.
- Radcliffe, S. (2006). *Culture and development in a globalizing world*. Taylor & Francis
- Spencer, L., Ritchie, J., Lewis, J., & Dillon, L. (2004). *Quality in qualitative evaluation: a framework for assessing research evidence*.